نوید

(وابسته به حزب توده ایران)

شماره ۱۶ـ چهارشنبه ۵ بهمن ۱۳۵۶

شاه میهن ما را بسوی باطلاق تازه‌ای میکشاند

توطئه جدید شاه ـ کارتر و بحران شاخ آفریقا

در روزهای اخیر جهان شاهد دو رویداد دهشتناک و بحث انگیز در عرصه سیاست داخلی و خارجی ایران بود که به بهترین وجه از ماهیت دار و دسته تبهکاری که در میهن ما بر مسند اقتدار نشسته اند ، پرده بر می دارد . در عرصه داخلی دژخیمان آریامهری اجتماع مردم را در قم بی مهابا به گلوله بستند و با خون ۲۷ کشته و بیشتر از ۷۰ مجروح کوچه ها و خیابانها را رنگین کردند و آنگاه در اکثر شهرها با چماق و سرنیزه تظاهرات اعتراضی مردم را که از این جنایت فجیع به هیجان آمده بودند ، در هم شکستند و به خاک و خون کشیدند . . . در عرصه خارجی سیاست رژیم " شاه ـ ساواک " ابعاد پنهان ، اما خوف انگیز تری داشت . اگر عطش ضحاک زمانه در قم با خون دهها شهید سیراب شد ، تعبیر خواب ابلیسی شاه شاهان از فضای سیاست خارجی ، دریای از خون و رنج و آتش به راه خواهد انداخت .

ژاندارم خلیج فارس ، این بار چشم به دریای سرخ دوخته است . برکرانه این دریای دوردست شبحی قد می کشد که خواب انگل های تاجدار و اربابان امپریالیست آنها و جوجه کرکس های منطقه را پریشان کرده است . خلق اتیوپی در محاصره و هجوم گسترده دشمنان ، سرنوشت تازه ای برای خود می سازد که با انقلاب و سوسیالیسم توانا حراست می شود . ارتجاع منطقه از این شراره بیدارکننده همان قدر بوحشت افتاده که امپریالیسم دشمن خلق ها . اما دست های امپریالیسم تهی بسته است . شکست فاحش جهانخواران در هندوچین و پیامد های صاعقه آسای آن در رابطه با قدرت روزافزون اردوگاه سوسیالیسم ، استراتژی تهاجمی امپریالیسم را تغییر داد و او را از لشکرکشی های مستقیم و دخالت های عریان بازداشت . از این پس دولت های ارتجاعی و تحت الحمایه امپریالیسم در حیطه جغرافیایی خود ، سهمی از نقش او را به عهده گرفتند و به صورت سگ های زنجیری ، در خدمت مطامع و مصالح امپراتوری سرمایه در آمدند . شاه یکی از این ژاندارم های منطقه ای و از کورترین و سرسپرده ترین آن ها بود . او با کودتای امپریالیست ها ، تاج و تخت واژگون شده خود را باز یافته بود و علاوه بر تعهد بی حد و حصری که در برابر تاج بخشان بانکی داشت ، خود و خانواده تاراجگر و اعوان و انصارش در پرتو دیکتاتوری لگام گسیخته ، به صورت بزرگترین سرمایه داران و ملاکان و انحصارگران در آمده بودند و به پیروی از طبیعت طبقاتی خویش در برابر هرحرکت مترقی و دموکراتیک ، به ویژه جنبش های عمیق تری که گرایش های سوسیالیستی داشتند ، احساس ناامنی و خطر می کردند و با کینه حیوانی بر آن می تاختند . منافع ، خواست ها و آرزو های دار و دسته استبداد با خلق های میهن ما و همه خلق های جهان چنان تضاد عمیقی داشت ـ و دارد ـ که کشور ما بی هیچ دلیل قابل توجیهی به حمایت از راهزنان ویتنام جنوبی در نبرد آزادی بخش خلق ویتنام برخاست و کشتی های نفتی خود را به رایگان به ویتنام جنوبی فرستاد . شاه وزوزک چونان پهلوان پنبه ای که از هیبت کاذب خویش به وجد آمده ، در سودای آن بود تا حرکت های تاریخ ساز جهان را با رویاهای حقیر خود تنظیم کند . و در پی این سودای خام که تحریکات امپریالیستی بر آن دامن می زد ، میهن ما را وارد جنگ بی آرمان برادرکشی در عراق کرد . کفاره این گناه ۱۰۰ هزار کرد آواره و داغ لعنت خورده است که در اردوگاههای ساواکی در غرب کشور ، گرسنه و

دنباله در صفحه ۲

قاضی محمد ، رهبر جمهوری دموکراتیک خودمختار کردستان

جنبش دمکراتیک ۲ بهمن

نقطه تحولی بزرگ در تاریخ خلق کرد

جنگ جهانی با شکست فاشیسم پایان یافته بود . سوسیالیسم از مرزهای یک کشور پا فرا نهاده ، در عرصه پهناوری از اروپا و آسیا ظفرمندانه گام برمیداشت . صدها میلیون مردم مستعمرات در راه تحصیل استقلال بپا خاسته بودند . سرمایه داری که هنوز از دردهای مرحله بحران عمومی خود نجات نیافته بود با شبح هولناک مرحله سوم مواجه میگردید . بشریت که دوران پرمشقتی پشت سر گذاشته بود با اراده ای خلل‌ناپذیر در راه آزادی و سعادت به پیش میرفت .

ایران نمیتوانست از این پویه همگانی تاریخ کنار بماند . در همین دوران بود که مردم در محیط دموکراسی نسبی پس از شهریور تحت رهبری حزب توده ایران می رزمیدند . حزب توده ایران مارکسیسم ـ لنینیسم را فرا راه مردم ایران داشت که در پرتو آن و در پیکار بزرگ و اصولی از میان توده عظیم خلق که دیکتاتوری رضاشاهی روح آنان را با ترور و فریب خسته بود نسلی [illegible] تربیت یافت . آنان بودند که در جبهه مبارزه ضد فاشیستی را سر افراشتند ، در صفوف مقدم خلق جا گرفتند ، توده ها را علیه دستگاه حاکمه مرتجع ، فئودالها ، وطن فروشان و محتکران به جوش آوردند و مواضع امپریالیسم و دستنشاندگان ایرانی او را متزلزل ساختند .

ارتجاع و امپریالیسم که نمیتوانست استقلال و آزادی واقعی ایران را تحمل کند با تمام قوا خود را آماده میکرد تا بلافاصله پس از سپری شدن اوضاع دوران جنگ دستاوردهای چهارساله مبارزات انقلابی مردم ایران را پایمال ساخته ، لاشه دیکتاتوری رضاشاهی را از نو زنده کند و بدین منظور در تابستان ۱۳۲۴ تهاجم گسترده خود را علیه نیروهای ملی و دموکراتیک آغاز کرد . این وضع مردم ایران را در سر دوراهی قرار داد : یا حفظ ، تحکیم و رشد دموکراسی موجود و یا تسلیم به احیاء دیکتاتوری . در سر یک چنین دوراهی تاریخی جنبشهای آذربایجان و کردستان دو دستی بود که از آستین مردم زحمتکش ایران بیرون آمده نقش مهمی در سرنوشت میهن ما بازی نمودند .

●

روز ۲ بهمن سال ۱۳۲۴ در شهر مهاباد در میتینگ ۲۰ هزار نفری که با ابتکار و تحت رهبری حزب دموکرات کردستان برگزار شد و در واقع مظهر همبستگی مردم کردستان را بازی میکرد طی قطعنامه ای تشکیل حکومت خودمختار کردستان در چهارچوب ایران اعلام گردید و قاضی محمد صدر حزب دموکرات کردستان به ریاست این حکومت برگزیده شد . نهضت ۲ بهمن نقطه عطف بنیادی در تاریخ خلق کرد بود ، زیرا که تحولات کیفی ذیل را در تاریخ کردستان بوجود آورد :

۱ ـ برخلاف کلیه نهضت های سابق کردستان ایران ، نهضت ۲ بهمن تحت رهبری و سازماندهی یک حزب انقلابی دموکراتیک ، یعنی حزب دموکرات کردستان بوجود آمد و پیروز شد ؛

۲ ـ این نهضت سلطه انحصاری سنتی طبقه فئودال ـ عشایر بر جنبش آزادیبخش ملی خلق کرد را درهم شکست و نمایندگان خلق را در صف مقدم مبارزه وارد کرد ؛

۳ ـ این نهضت دستگاه حکومت ارتجاعی ایران و سلطه امپریالیسم را از بخش مهمی از کردستان ایران برچید و بجای آن دستگاه حکومت ملی و دموکراتیک متکی بر خلق بوجود آورد ؛

۴ ـ حکومت خودمختار کردستان در داخل ایران بر حزب توده ایران ، نهضت آذربایجان و نیروهای ملی و دموکراتیک ایران ، و در خارج از ایران بر جهان سوسیالیسم و در رأس آن اتحاد شوروی ، نهضت کمونیستی و کارگری جهانی و جنبش ضد امپریالیستی خلقها تکیه داشت ؛

۵ ـ نهضت ۲ بهمن مسئله ملی خلق کرد ایران را مانند جزئی از نهضت انقلابی و دموکراسی سرتاسر ایران و تابعی از این نهضت مطرح و در چهارچوب منافع عمده این نهضت حل میکرد ؛

۶ ـ یکی از جهات ارزنده نهضت ۲ بهمن سلطه عنصر رشد یابنده انترناسیونالیسم بود ؛

۷ ـ یکی دیگر از جهات بسیار مهم و ویژه نهضت ۲ بهمن که در تاریخ کردستان تا آن روز بیسابقه بود عبارت از این بود که این نهضت و حکومت ملی کردستان با برنامه اصلاحات دموکراتیک مجهز بود و با اجرای این برنامه در حد امکاناتی که شرایط مشخص آن روز به دست میداد نتایج مادی و معنوی نهضت را بتوده های خلق کرد رساند . بدین ترتیب نهضت ۲ بهمن اصول بنیادی و جوهر رشد انقلابی و شاهراه اصلی جنبش خلق کرد را معین نمود .

●

خلق کرد به آسانی به این راه نرسید ، بلکه چنین تحول بنیادی در اثر طی یک مبارزه [illegible] اصولی و آشتی ناپذیر در تاریخ خود پدید آورد . نیازی به یادآوری گذشته دور نیست . توده های زحمتکش کرد طی قرنها اسیر دست پادشاهان خونخوار و نیمه پادشاهان محلی بودند . سرداران فئودال ـ عشیرتی که طی قرون متمادی بطور انحصاری رهبری زندگی سیاسی کردستان تسلط داشته اند بخاطر منافع محدود طبقاتی هرگز تا آخر به منافع توده های کرد صادق نبوده اند .

با پیدایش امپریالیسم در جهان و رشد مناسبات سرمایه داری در ایران روند تاریخی کردستان نیز دستخوش تبدلاتی گردید . کردستان ایران در معرض جاذبه تمرکز سیاسی ـ نظامی و اقتصادی دولت فئودال ـ بورژوائی ایران قرار گرفت . بموازات الغای حکومتهای محلی کرد تسلط فئودالی بر شهر و بورژوائی تا حد زیادی تضعیف شد و بورژوازی کرد امکان رشد معینی یافت . در حالیکه اندیشه جدائی گرائی فئودالی هنوز بر زندگی سیاسی کردستان مستولی بود ملت گرائی بورژوائی کرد نیز بتدریج نضج مییافت . ولی همانطوریکه طرح فئودالی مستقل کرد با خود فئودالیسم راه افول می پیمود ملت گرائی بورژوائی کرد نیز بعلت عقب ماندگی شدید رشد سرمایه داری در کردستان هرگز به ایدئولوژی حاکم در نهضت کرد مبدل نگردید . در این دوران گذار ما شاهد تضاد شدید میان فئودالیسم عشیره ای کرد و سرمایه داری تازه به دوران رسیده کردستان هستیم که یکی از برجسته ترین نمونه های آن تضاد جریان سمیتقو با بورژوازی محلی است .

در این مرحله مجموع کشور ایران نیز روند تاریخی خود را می پیمود . دوران پس از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر آغاز گذار جهان از سرمایه داری بسوی سوسیالیسم بود . علیرغم فشار دیکتاتوری رضاشاهی در متن رشد سرمایه داری در ایران طبقه کارگر جوان قد برافراشت و حزب کمونیست ایران تئوری و عمل انقلابی را در جامعه کشور رسوخ میداد . این نسیم حیاتبخش گاهی در کردستان نیز در گشت و گذار بود و لیکن هنوز تنها انگشت شمار افراد پیشرو را مجذوب خود میساخت .

دیکتاتوری رضاشاهی که پس از سرکوب نهضت انقلابی گیلان با قیامه " ملی " و به دستیاری امپریالیسم انگلیس بر سر کار آمده بود با تشدید ستم اجتماعی و اجرای [illegible] (که برای اولین بار در تاریخ ایران به جزئی از سیاست دولتی مبدل شد) در کردستان نیز کوهی از تضادها انباشت که پس از شکسته شدن سد دیکتاتوری در شهریور ۱۳۲۰ در جامعه کردستان سیلی مهیبی براه انداخت . در نخستین روزهای پس از شهریور در قسمت اعظم کردستان ایران هزاران نفر با سلاحهائیکه فراریان ارتش بجا گذاشته بودند مسلح شده ، با قلبی آکنده از کین بحرکت درآمده ، پادگانها ، ادارات و یکسر

دنباله در صفحه ۶